

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

بررسی مکانیسم دفاعی تصعید در شخصیت مجنون از منظومه لیلی و مجنون نظامی

۱- فرگس کشاورزی ۲ - سلیمه دارایی

۱- دکترای ادبیات فارسی - غنایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، ایران

۲- دکترای ادبیات فارسی - غنایی، گروه زبان و ادبیات دانشگاه مازندران، دانشگاه فرهنگیان، ایران

(نویسنده اول) : Nargesk50@yahoo. Com

(نویسنده دوم): fateme.daraee.55@gmail.com

چکیده

مکانیسم‌های دفاعی، یکی از بارزترین شاخه‌های روان‌شناسی است که به منتقد کمک می‌کند تا رفتار شخصیت‌های آثار ادبی را مورد تحلیل قرار دهد. یکی از این مکانیسم‌ها تصعید است که به کمک آن می‌توان احساسات هیجان‌انگیز غریزی را از حالت اولیه خود به سوی هدف‌های عالی‌تر طوری سوق داد که هم رضایت خاطر آن فرد حاصل شود و هم به نفع اجتماع باشد. در لیلی و مجنون نظامی با دقت در رفتارهای مجنون درمی‌یابیم که او در مواجهه با رویدادها با استفاده از معنویت و عشق، کنش‌هایی از خود بروز می‌دهد که منجر به پس زدن غریزه جنسی می‌شود.

کلیدواژه: تصعید، عشق، لیلی، مجنون، فروید

مقدمه و هدف

متون ادب فارسی علاوه بر غنای فرهنگی و ارزش‌های ادبی دربردارنده بسیاری از مسائلی هستند که امروزه در روان‌شناسی مطرح است. در واقع می‌توان گفت روان‌شناسی با ادبیات پیوند دارد به گونه‌ای که برخی از ادیبان و منتقدین، توجه به مسائل روان‌شناسی را در فهم آثار ادبی مهم می‌دانند. نقد روانکاوانه که توسط فروید مطرح شد، یکی از رویکردهای نقد ادبی به شمار می‌رود و از این طریق می‌توان به لایه‌های نهان شخصیت‌های آثار ادبی دست یافت. از منظر فروید، دستگاه عظیم شخصیت آدمی از سه عنوان نهاد، خود و فراخود تشکیل شده است. این سه بخش، شخصیت اصلی ما را تشکیل می‌دهند. رفتارها و تمایلات ما در سایه کنش‌های این سه بخش شکل می‌گیرند:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

«۱- نهاد که تابع لذت است؛

۲- من(خود) که با واقعیت سروکار دارد؛

۳- من برتر (فراخود) که جنبه اجتماعی شخصیت را می‌سازد. این سه سطح ظاهراً از هم جدا هستند؛ ولی با هم کار می‌کنند و رفتار آدمی تقریباً همیشه نتیجه عمل هر سه آنهاست».[۷]. از نظر فروید «خود» برای حفظ و بقای شخصیت به ابزارها و وسایلی مجهز است که به آنها مکانیسم دفاعی می‌گویند. این مکانیسم‌ها شیوه‌های خودآگاه و غیرآرادی برای کاهش اضطرابند. مهمترین این مکانیسم‌ها به این قرارند: ۱- واپس‌زنی (verdrangungen)؛ ۲- این‌همانی یا همانندی (identification)؛ ۳- جابجایی (refoulement)؛ ۴- والایش یا تصعید (sublimation). [۱۶]. یونگ هم مانند فروید به تصعید یا والایش معتقد است و می‌گوید زمانی که انرژی حاصل از فعالیت جنسی به فعالیت مذهبی منتقل شود، حالت تصعید رخ می‌دهد، اما همیشه اینگونه نیست و انرژی حاصل شاید به وسیله دنیا و محیط خارج بلوکه شده و به ناهشیار برگردد. به هر حال، تصعید موجب رشد شخصیت می‌گردد. [۳].

آدمی در زندگی خود به طور کلی دارای امیال، کام‌ها و آرزوهایی است که برخی از آنها را که با منافع و سلوک اجتماعی و اخلاقی مبیانتی ندارند، ارضا می‌کند؛ اما تمامی کام‌های آدمی اینگونه نیستند و نمی‌تواند برخی از خواست‌ها و امیال خود را علناً ارضا و کامیاب گرداند؛ چون این امیال با قوانین اخلاقی و منافع اجتماعی ناهماهنگی دارند. آن امیال که انسان جلوی خودنمایی و بروز آنها را می‌گیرد، از بین نمی‌رود و دچار سرکوفتگی و واپس‌زدگی شده و در اعماق ضمیر ناخودآگاه پنهان می‌ماند و تمرکز و فشرده‌گی همین عناصر روانی واپس‌زده است که موجب بیماری‌های روانی می‌شود. [۱۲]. در واقع، تمایلات واپس‌زده‌ای که متعالی می‌شوند به گونه‌ای ارزنده تجلی می‌یابد. این تغییر جهت، سبب می‌شود هوس‌های زشت و غرایز ناپسند به ابداعات مفیدی بدل شوند که همین فعل و انفعال‌ها سرچشمه انواع هنرها محسوب می‌شود. [۱۰].

در تصعید، انرژی غریزی به مجاری دیگر تغییر جهت می‌دهد، مجراهایی که جامعه آنها را مقبول و تحسین‌برانگیز می‌داند. برای مثال، انرژی جنسی می‌تواند به رفتارهای هنری خلّاق، تغییر جهت داده یا والایش یابد. فروید معتقد بود انواع فعالیت‌های انسان مخصوصاً آنهایی که ماهیت هنری دارند، جلوه‌هایی از تکانه‌های نهاد هستند که به راه‌های خروجی جامعه‌پسند تغییر جهت داده‌اند؛ مانند جابجایی که والایش شکلی از آن است. [۸]. فروید می‌گوید فرد زمانی به بیشترین میزان والایش دست می‌یابد که قادر باشد کسب لذت از منابع کار روانی و فکری را به قدر کافی افزایش دهد. در این صورت، سرنوشت و تقدیر، آزار کمی به شخص می‌رساند. [۱۴]. البته والایش با اینکه سودمند بوده و به نفع فرد و جامعه است، در عین حال به ارضای کامل منجر نمی‌شود و همواره مقداری کشش روانی باقی می‌گذارد که به حالتها و رفتارهای نابهنجار منجر می‌شود. متخصصان روانکاوی در اغلب هنرمندان و نوابغ، آثاری از اینگونه نابهنجاری‌ها تشخیص داده‌اند. [۱۶].

در داستان لیلی و مجنون نظامی، مجنون با وجود علاقه بسیار نسبت به لیلی، قادر است امیال جنسی خود را مهار کند و از خواسته خود دست بکشد و موجب به وجود آمدن ساختاری در روان خود با نام فراخود شود که صورت متعالی انسان است. در این جستار در پی پاسخ دادن به این پرسش هستیم که مجنون چگونه بر غریزه جنسی خود و هیجانانات ناشی از آن فایق آمد و توانست از مکانیسم دفاعی تصعید در جهت رضایت خاطر خود و اجتماع بهره‌بردار. با توجه به اعمالش می‌بینیم که او فشارهای

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

روانی و تنیدگی‌های روحی را تحمل می‌کرد و همین عامل موجب شد تا از مکانیسم دفاعی تصعید در جهت رشد و تعالی خود استفاده کند.

تئوری و پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در مورد انواع مکانیسم‌های دفاعی از جمله تصعید در شخصیت‌های آثار ادبی صورت گرفته؛ اما تاکنون در مورد تصعید در اثر لیلی و مجنون، تحقیقی انجام نشده است. برخی پژوهش‌هایی که هم‌عرض با این مقاله نوشته شده به این شرح است. مریم صبامیری در سال ۱۳۹۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را با عنوان «تحلیل روان‌شناختی مکانیسم‌های دفاعی روان در چند شخصیت مهم شاهنامه فردوسی» نوشته است. ابوطالب میرعابدینی در مقاله «تصعید عارفانه عشق» ۱۳۷۳، دو داستان «دژ هوش‌ربای مولوی» و «همای و همایون خواجه‌ی کرمانی» را با هم مقایسه نموده که چگونه از عشق مجازی می‌گذرند و به عشق حقیقی می‌رسند. محمدحسن حسن‌زاده نیری و زهره صفدری ۱۳۹۹ در مقاله‌ای با عنوان «تصعید و تلطیف تمایلات روانی پنجگانه در غزلیات سعدی» والایش را یکی از عوامل مهم التذاذ ادبی از شعر سعدی می‌دانند. عشق بین لیلی و مجنون یک عشق بزرگ و دارای ابعاد بسیار گسترده‌ای است و از سویی دیگر این عشق با توجه به انگاره‌های عرفانی که از خلال آن می‌توان برداشت کرد، بسیار فراتر از مباحث روان‌شناسی است؛ بنابراین ضرورت دارد هر کدام از مکانیسم‌های دفاعی در پژوهش‌های جداگانه مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. از همین رو در این جستار فقط به مکانیسم دفاعی تصعید پرداخته می‌شود.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی است. به این صورت که ابتدا مطالعه‌ای درباره روان‌شناسی و اصول کلی آن صورت گرفته؛ سپس به مطالعه نظریات فروید و دیگر صاحب‌نظران در زمینه مکانیسم‌های دفاعی پرداخته شد. در ادامه هر جا رفتار برجسته‌ای مبتنی بر ساز و کارهای دفاعی در رفتار مجنون مشاهده شد، مورد تحلیل قرار گرفت. جامعه آماری این پژوهش، منظومه غنایی لیلی و مجنون نظامی است.

متغیرها:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تصعید

تصعید عبارتست از تغییر غایت رانش جنسی و هدایت ناآگاه آن در راهی که از نظر اجتماعی مفید باشد. به اینگونه است که انواع فعالیت‌های اجتماعی، علمی، حرفه‌ای، فرهنگی و هنری پدید می‌آیند. تصعید، فراغت از تعارضات نفسانی است؛ زیرا که رانشی است که به جهت تغییر غایت خود مشمول منع یا مکانیسم دفع اعمال نمی‌شود. [۱۵].

معنویت

«مذهب و معنویت، مجموعه‌ای از کلمات و چارچوب‌ها ارائه می‌دهند که از طریق آنها انسان‌ها می‌توانند معنا و مفهوم زندگی خود را درک کنند». [۱۸]. معنویت که با مفاهیم حس هدفمندی، ایمان و مذهبی بودن نیز مطرح می‌شود، بیانگر باورها و اعتقادات انسانهاست. داشتن یک فلسفه روشن در مورد زندگی، مذهبی یا غیر مذهبی، که جایگاهمان را در جهان مشخص می‌کند و اینکه آیا زندگی به واسطه پیوندمان با چیزی بزرگتر از خودمان، معنایی برایمان دارد، نشانه توانمندی معنویت است. [۵]. با توجه به این دیدگاه، معنویت، لزوماً به معنای تعلق داشتن به یکی از ادیان نیست؛ بلکه داشتن نگرشی است به عالم و آدم که به انسان، معنا، آرامش و شادی ببخشد.

عشق

اگر به مفهوم عشق پی ببریم، باید بگوییم آن نیرو و شوری که هر پدیده را در هستی به سمت کمال سوق می‌دهد و آن کوششی که برای تعالی و رسیدن به اوج هر کاری در عوامل طبیعت وجود دارد، علتی جز عشق ندارد. اینهمه شوریدگی، هیجان و کمال‌یابی، عشق نامیده می‌شود. [۹]. عشق با بهزیستی و شادمانی ارتباط دارد. «در واقع وجود روابط و علائق مثبت یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های شادمانی و رضایت از زندگی است و عشق، سپر مهمی است در برابر استرس و مقاومت بدن را در برابر بیماری‌ها افزایش می‌دهد. عشق صمیمانه، عامل مهمی در بهزیستی روانی و اجتماعی است». [۱۱].

بحث و بررسی

خلاصه داستان

قیس پسر یکی از بزرگان قبیله عامریان، عاشق هم‌مکتب‌خانه‌ای خود، لیلی، که اهل دیار عرب است، می‌شود. لیلی نیز محبت مجنون را به جان و دل می‌پذیرد. ابتدا عشقشان مخفی بود؛ اما چندی بعد قصه دلدادگی‌شان به همه جا می‌رسد. پدر قیس با

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

دیدن رنجوری و بی‌تابی فرزندش به خواستگاری لیلی می‌رود؛ اما پدر لیلی به سبب جنون و دیوانگی قیس با این خواسته او مخالفت می‌کند. پدر مجنون به پیشنهاد دوستان و خویشان، فرزندش را به کعبه می‌برد تا شاید گشایشی حاصل شود، ولی نتیجه این کار و نصایح پدر به حال پسر سودی ندارد. از طرفی دیگر پدر لیلی، دخترش را به عقد فرد ثروتمندی به نام ابن‌سلام درمی‌آورد و آتش عشق مجنون شعله‌ورتر می‌گردد. تلاش‌ها و نصایح پدر مجنون هم در تسکین غمی که بر جان فرزند مستولی شده بود، تأثیری در بهبود حال او ندارد و سرانجام پدر به دیار حق می‌شتابد. سلیم عامری، دایی مجنون، و مادر مجنون هر کدام برای تسلی دادنش نزد او می‌آیند و نصیحتش می‌کنند؛ اما افاقه نمی‌کند و چندی بعد مادرش نیز می‌میرد. آوارگی مجنون در حدی است که در بیابان با حیوانات وحشی خو می‌گیرد و هم‌کلام می‌شود. لیلی هم از زندگی اجباری با شوهرش متنفر است. چیزی نمی‌گذرد که ابن‌سلام در حالی که ناکام و نامراد است، فوت می‌کند. بعد از مرگ ابن‌سلام در طی مدت کوتاهی لیلی بیمار می‌شود و دنیا را وداع می‌کند و مجنون بر تربت او حاضر می‌شود. «ای دوست» می‌گوید و در کنار لیلی به خاک سپرده می‌شوند و بدین ترتیب دو دل‌داده در جوار هم آرام می‌گیرند.

۱- تصعید در مجنون

تصعید، حاصل تمایلات واپس‌زده است که تعالی یافته و با تغییر شکل و هدف به صورت هنر و ادبیات، عقاید لاهوتی و مذهبی و دیگر تجلیات ارزنده بروز می‌کند. [۱۲]. با توجه به این تعریف فروید می‌بینیم که پس زدن غرایز و تغییر جهت آنها می‌تواند با راه‌های مختلفی باشد؛ با راه هنر و کارهای هنری، آثار ادبی، معنویت و غیره. در رابطه عاشقانه مجنون با لیلی یک سیر تکاملی را می‌توان دید. به طوری که وقتی عشق بین آن دو مطرح می‌شود، آنها دو کودک مکتب‌خانه‌ای هستند و این عشقی است که در ابتدا به صورت مجازی است و رنگ و لعاب عشق‌های زمینی را دارد؛ اما از زمان ازدواج لیلی با ابن‌سلام، تغییری در نگرش مجنون به عشق دیده می‌شود. به گونه‌ای که بعد از مرگ ابن‌سلام که لیلی به سمت مجنون می‌رود، مجنون به حضور مادی لیلی احساس نیاز نمی‌کند. او در این مسیر، حد و مرزها را گسترش می‌دهد و به مرحله عالی‌تری از وجودش می‌رسد. عشق‌ورزی او عمل تکامل «خویشتن» اوست. اینجاست که او حکم سالکی را پیدا می‌کند که عشق مجازی، زمینه‌ساز عشق حقیقی او شده است. این رابطه صمیمانه، فرصتی است برای آنکه از عشق، به عنوان راهی برای دگرگون شدن شخصی و معنوی استفاده کند. تصعید در مجنون به دو صورت دیده می‌شود؛ یکی با معنویت و دیگری با عشقی تکامل یافته که به آن می‌پردازیم.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در شرایط استرس، افسردگی و هر چیزی که سلامت روانی و جسمی افراد را به خطر اندازد، منبعی که می‌تواند به آنها کمک کند، معنویت است؛ زیرا می‌تواند آنها را در به کارگیری حل مسائل و درک ارزش و غنای زندگی یاری دهد. سلامت معنوی، انسان‌ها را قادر می‌سازد تا به مشکلات، نگاه دیگر داشته و خود را به خداوند نزدیکتر احساس کنند و همین موضوع احساس نشاط و شادی انسان را بیشتر می‌کند.

در مورد مجنون هم آراستگی به توانمندی معنویت باعث می‌شود رضایت و آسودگی خاطر به او دست دهد. او ابتدا عاشق لیلی می‌شود و پدرش را به خواستگاری می‌فرستد و بعد از شنیدن جواب منفی در خلوتش چنین می‌گوید:

یا دست بگیر از این فسوسم	یا پای بیار تا بوسم
جرم دل عذرخواه من چیست	جز دوستیت گناه من چیست
یک شب ز هزار شب مرا باش	یک رای ثواب گو خطا باش
گردن مکش از رضای این یار	در گردن من خطای این کار

[۱۷]

مجنون برای خلاصی یافتن از این عشق به خانه کعبه می‌رود تا دخیل بندد و مراد خود حاصل فرماید:

در حلقه کعبه دار یک دست	کز حلقه غم بدو توان رست
رحمت کن و در پناهم آور	زین شیفتگی به راهم آور

[۱۷]

روی آوردن یک فرد به مسائل مذهبی، برایش بسیار آرام‌بخش خواهد بود و تجربه نشان داده است که فرونشاندن امیال و خواسته‌های نفسانی به کمک دین می‌تواند گاهی موجب خلق آثار انسانی نیز بشود. «تصعید به تناوب حاصل می‌شود و البته در دوران پرشور و حرارت جوانی دشوارتر از همیشه است. ظرفیت فرد برای تصعید در دوران نهفتگی شکل می‌گیرد. برخی جوانان پرحرارت، اشتیاق فوق‌العاده‌ای به پرهیزگاری نشان می‌دهند.» [۶]. سوق دادن غریزه جنسی به سمت والای معنویت از عهده هر کسی بر نمی‌آید.

مجنون در دوری و جدایی از لیلی با خداوند نجوا می‌کند و وقتی که ناامید و درمانده است تنها پناه و یاورش خداوند است. این حس و حال معنوی می‌تواند در بهبود وضعیت روحی مجنون، مفید و اثرگذار باشد. او که قبل از این از غم خوردن، دمی نمی‌آسود، اکنون با راز و نیاز و مناجات با خداوند از حالت افسردگی‌اش کاسته می‌شود و به عنایت و توجه خداوند امیدوار می‌شود. ایمان مذهبی یکی از عوامل مؤثر در احساس شادمانی است و یکی از نتایج فعالیت‌های مذهبی، اتصال به معبودی بسیار قوی،

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

پاک و مقدّس است. فردی که به معنویت می‌پردازد، احساس شادی و آرامش می‌کند و علاوه بر نزدیکی به خداوند، نسبت به مردم هم نگاه مثبتی پیدا می‌کند که همه این حالات موجب شادی او می‌شود:

نالید در آن که چاره ساز است از جمله وجود بی نیاز است
مگذار که عاجز و غریبم از رحمت خویش بی نصیبم

[۱۷]

سپس برای مهار کردن آتش درونش با اجرام فلکی سخن می‌گوید. اگرچه این اعتقاد و باور - عقیده به تأثیر سیارات و ستارگان - غیرمذهبی است؛ اما نشان‌دهنده اتصال به باوری است که آن زمان به آن معتقد بودند. مجنون در باور خود به جهانی وسیع‌تر از خود متصل می‌شود. این نگاه معنوی به اجرام فلکی، او را به عشق، معرفت، آرامش و خوبی سوق می‌دهد. از نگاه مجنون، کلید کامروایی‌ها به دست زهره است که چون جام می، سرمستی‌آور است و سرچشمه لطف‌های فراوان است:

کای مشتری ای ستاره سعد ای در همه وعده صادق الوعد
در من به وفا نظاره‌ای کن گر چارت هست چاره‌ای کن
ادبار مرا ز من بگردان آن کن که چنان کنند مردان
از دوست به من رسان نشانی کم گیر گلی ز گلستانی

[۱۷]

مجنون معشوقه خود را در خانه ابن‌سلام تصور می‌کند و شعله‌های خواهش او زبانه می‌کشد؛ اما از این ماجرا دست خالی بر نمی‌گردد و جز مویه با زهره و مشتری و هفت فلک، کاری انجام نمی‌دهد.

وقتی مجنون خبر مرگ لیلی را می‌شنود، باز همین نگاه معنوی به او آرامش می‌دهد. سرش را به سمت آسمان می‌برد و از خدا می‌خواهد او را هم از این دنیا ببرد تا در جهانی دیگر ماوا کند:

کای خالق هر چه آفریدی سوگند به هر چه برگزیدی
کز محنت خویش وارهانم در حضرت یار خود رسانم
این گفت و نهاد بر زمین سر و آن تربت را گرفت در بر
چون تربت دوست در بر آورد ای دوست بگفت و جان بر آورد

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

[۱۷]

۲-۱- تصعید با کارکرد هنری عشق

عشق، تلاشی در راه کمال جویی و به کمال رسیدن است و جاذبه‌ای است که انسان را به طرف مطلوب خود می‌کشاند. «هنگامی که عاشق می‌شویم، حس می‌کنیم کامل‌تر شده‌ایم. گویی به زوایای ناشناخته وجودمان دست یافته‌ایم، به گونه‌ای دلگرم می‌شویم که گویی به طور غیرمنتظره‌ای از جایگاه قبلی خود فراتر رفته‌ایم. زندگی در چشم ما شوق‌انگیز، باشکوه و شادی‌آور می‌شود».[۲]. در مورد حالت عشق مجنون می‌توان گفت چون او وجود خود و خودخواهی‌های خود را از بین برده است، درون خود را برای آراستگی به قابلیت عشق آماده کرده است. در صورتی که در عشق مجازی چون فرد هنوز در قید منیت‌های خود است، نمی‌تواند خالصانه کار کند و صادقانه سخن بگوید.

در قسمتی از داستان، پیرزنی اسیری را در کوچه‌ها می‌گرداند و با جمع کردن کمک‌های مردم، هر دو نفرشان روزی خود را به دست می‌آورند. مجنون با دیدن این صحنه، از پیرزن می‌خواهد به جای اسیر، او را در کوچه لیلی بگرداند و پیرزن عواید حاصل از آن را برای خود بردارد. پیرزن رسن را به گردن مجنون می‌اندازد تا به این وسیله از کوی لیلی گذر کنند تا مجنون بتواند لیلی را ببیند:

مجنون ز سر شکسته بالی	در پای زن اوفتاد حالی
می‌گردانم به رو سیاهی	این جا و به هرکجا که خواهی
لیلی گفتی و سنگ خوردی	در خوردن سنگ رقص کردی

[۱۷]

او پر از تمنای دیدار لیلی است، دلخوش به دیدار است؛ اما اگر سنگ هم از کوی لیلی بخورد، شادان است. وقتی به کام دلش نمی‌رسد، اینگونه خود را تسکین می‌دهد و آرام می‌کند و روحش را التیام می‌بخشد. سر به زمین می‌زند و با نجوای درون سعی می‌کند آتش نهفته درون را مهار کردن کند:

بگریست بر آن چمن به زاری	چون دیده ابر نو بهاری
سر می‌زد بر زمین و می‌گفت	کای من ز تو طاق و با غمت جفت

[۱۷]

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

با این شیوه چندی ناله میکند؛ سرانجام دیوانه وار راه کوه نجد را در پیش می‌گیرد که این عکس‌العمل می‌تواند نمودی از ولایت باشد. وقتی هم که لیلی به عقد ابن‌سلام درمی‌آید، مجنون پریشان احوال‌تر و رنجورتر از پیش می‌شود:

افتاده چو مرغ پر فشانده بیش از نفسی در او نمانده

[۱۷]

با مذاقه در مویه‌ها و نجواهای مجنون در لحظات تنهایی و یادکرد یاد لیلی در این موقعیت‌ها، می‌توان به کیفیت عشق او تا اندازه‌ای پی برد. به این صورت که در این ناله‌ها خبری از تمنیات جسمانی و آرزوهای آلوده به هوس نیست. در همه آنها صحبت از عناصر طبیعت مانند آتش و یا باد صبا است برای اینکه خبری از معشوق برساند تا شاید زخم‌های دوری را التیام بخشد:

و آنگاه مژه پر آب کردی با باد صبا خطاب کردی

کای باد صبا به صبح برخیز در دامن زلف لیلی آمیز

گو آن که به باد داده توست بر خاک ره او فتاده توست

گر آتش عشق تو نبود سیلاب غمت مرا ربودی

[۱۷]

«سلام بغدادی» فردی است که با شنیدن آوازه عشق مجنون به دیدنش می‌آید تا خدمتگزار او شود؛ اما مجنون به او می‌گوید برگرد. «سلام» می‌گوید: «من هم مثل تو دردمند بودم و فضل و عنایت خداوند مرا نجات داد. مجنون به او پرخاش می‌کند که:

گفتا چه گمان بری که مستم یا شیفته ای هوا پرستم

شاهنشه عشقم از جلالت نابرده ز نفس خود خجالت

از شهوت عذرهای خاکی معصوم شده به غسل پاکی

ز آسایش نفس باز رسته بازار هوای خود شکسته

[۱۷]

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مجنون در عشق خود ذره‌ای هواپرستی نمی‌بیند. شهوت خاکیان در احساس او راه ندارد، به تن‌آسایی نفس گرفتار نیست، هوا و هوس را در خود شکسته و در وجود او فقط و فقط عشق ساکن شده و دیگر هیچ: «عشق آمد و خاص کرد خانه». او در عشق به مقامی رسیده است که در خود غیر از دوست نمی‌بیند و به صراحت اشاره می‌کند که توانسته عشق‌های زودگذر را کنار بگذارد. «هدف والایش به طور خلاصه بی‌نیازی از جهان بیرون از طریق جستن رضایت در روندهای درونی و بیرونی است.» [۱۴]. این سرکوب‌های غریزه جنسی در اصل، پیروز شدن اصل واقعیت بر اصل لذت است. او در کشمکش بین واقعیت و لذت با بی‌نیاز کردن روان خود از جهان بیرونی و انحراف از واقعیت به رضایت می‌رسد.

گویی لیلی یک صورت مثالی است که نفس علوی مجنون قبل از اینکه پا به این عالم بگذارد، آن را دیده و هرچه در این جهان ماده می‌بیند، پرتو همان صورت مثالی است. زیبایی لیلی، جرقه‌ای است که عشق مجازی از آن برمی‌خیزد؛ اما مجنون به این عشق مشغول نمی‌شود و با تصعید و گذر از آن و رسیدن به عشق حقیقی به رضایت می‌رسد. مجنون به سلام بغدادی می‌گوید:

با من تو نگنجی اندرین پوست من خود کُشم و تو خویشتن دوست
با من تو خطاست هم نشستی من بت شکن و تو بت پرستی

[۱۷]

مجنون معتقد است سلام بغدادی، بت و محبوب مجازی را می‌پرستد: «من بت شکن و تو بت پرستی» در صورتی که مجنون مدعی است که بت شکن است. او اگر به دنبال وصال جسمانی با لیلی بود، هنگامی که «ابن سلام» وفات یافت و لیلی نزد مجنون آمد، او را می‌پذیرفت؛ اما همان زمان، او را از خود می‌راند و هیچ چشمداشتی به حضور مادی لیلی ندارد و به او می‌گوید:

بر پای طمع نهاده‌ام بند از تو به حکایت تو خرسند

[۱۷]

نگاه خاص مجنون به عشق، این خاص‌ترین اتفاق زندگی او و هر انسان دیگری، بسیار منحصر به فرد است. او در اثر تجربه زیسته خود به این باور رسیده است که با وجود دشواری تحمل دوری از معشوق، همواره از آن لذت می‌برد و آن را بر همه عالم و زیبایی‌های جهان برتری می‌دهد:

در خاطر من که عشق ورزد عالم همه حبه‌ای نیرزد

[۱۷]

«هر نوع تصعید لااقل باید رضایت خاطر شخص را فراهم کند. فقدان شادکامی و لذت، بهترین علامت آن است که تصعید درست و در راه واقعی انجام نگرفته است.» [۱۹]. مجنون به صراحت بیان می‌کند عالم در نظرش ارزشی ندارد و این حاکی از آن است که تلاش کرده به عقده‌های واپس‌زده خود دلبستگی نداشته باشد. شرط تصعید هم آن است که عقده‌ها از قبل باید باز شده باشد. در واقع او با یک کنش خلاقانه برای جبران خلأ جنسی خود با ارضاهای جبرانی که عشق در اختیار او قرار می‌دهد، دنیای برتری را برای خود می‌آفریند و این نشان دهنده مهمترین ویژگی رشد انسان است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

قسمت دوم زندگی مجنون که با ازدواج لیلی با ابن‌سلام آغاز می‌شود، زمانی است که دید مجنون به معشوق تغییر می‌کند. اینجاست که وقتی لیلی به دیدن او می‌آید و تقاضای وصال می‌کند، مجنون این وصال را نمی‌پذیرد:

می‌کرد ز طبع دست کوتاه معشوق بهانه بود در راه

بی‌کام نبود ، بود کامش می‌داشت چو تیغ در میانش

ز آن کام نجست از آن پریزاد تا خانه عشق ماند آباد

[۱۷]

در ابیات فوق، مجنون اعلام می‌کند با وجود داشتن میل جنسی، سعی می‌کند آن را مهار کند و علت کام نجستن، این است که خانه عشق، آباد بماند. یعنی او با تمام تکانه‌ها، امیال، افکار، آرزوهای خود مقابله می‌کند و آن را به جهتی والا که همان روشن نگاه داشتن شعله عشق است، سوق می‌دهد. این تجلی درست‌انگیزه‌های واپس‌زده است که باعث رضایت خاطر وی می‌شود و او را در جایگاه مورد قبول جامعه قرار می‌دهد. «عشق یک فعالیت هنری است. هنر بسیار متعالی ارتباط شکوهمند جسم-ها و ذهن‌ها؛ اما آنچه این هنر متعالی و شکوهمند را به وجود می‌آورد، بدون شک جریان مکانیکی و خودکاری است که حالت روحانی ندارد. عشق بدون غریزه جنسی وجود ندارد. در عشق، غریزه جنسی نیروی محرکه‌ای است چون باد در راندن کشتی-های بادی». [۱]. در این قسمت ما شاهدیم که مجنون از طبیعت و غریزه جنسی خود صرف نظر می‌کند «می‌کرد ز طبع دست کوتاه». به این صورت که یک مرحله گذاری وجود دارد که از یک غریزه جنسی به غایتی بالاتر رشد می‌کند. در حقیقت، تصعید، عنصری اخلاقی در فرایند پیشروی به سمت غایت بزرگ است. غایتی از جمله توانایی عشق‌ورزیدن و کار کردن و حرکت به سوی هنر. «وقتی غریزه جنسی / لیبیدویی به علت وجود ابژه‌ای بیرونی با سرخوردگی مواجه می‌شود، سرمایه‌گذاری روانی کنار می‌رود؛ یعنی انرژی خروجی به سمت «نهاد» واپس رانده می‌شود، غیرجنسی شده و مبنای «من» می‌شود». [۶].

نکته حائز اهمیت آن است که در این پژوهش در پی آن نیستیم که این عشق را عشق حقیقی محض جلوه دهیم؛ بلکه چنانکه تا پایان مشاهده می‌کنیم مجنون اسیر و در بند این عشق مجازی نمی‌ماند و «عشق مادی و صوری که دنبال نقش و نگار می‌رود، بت‌تراشی و بت‌پرستی است و با اینهمه اگر استحال یابد، به عشق حقیقی که شهوت‌سوز است می‌انجامد». [۴]. مجنون گویی برای جستجوی سرنوشت خود به راه می‌افتد و با توشه طلب و استمداد از همت و توکل، قدم در راه تازه‌ای می‌گذارد. نکته مهم در این میان این است که هر فردی به شیوه عارفانه یا عاشقانه با درجه ارادتی که به معشوق دارد، این مسیر را می‌پیماید و برخی سرگردان و برخی به مقصد می‌رسند. او به کمک والایش، وارد جهان برساخته خود می‌شود و از این رو دست به کنشی می‌زند که نه تنها از نظر اجتماعی پذیرفتنی است؛ بلکه در وجود خود نیز یک فرایند از مسیر عادی‌اش به سمت رفتاری والایش شده سوق می‌یابد.

نتیجه:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مکانیزم دفاعی والایش در زمره مکانیسم‌های رشد یافته است که زمینه رشد و بالندگی افراد را فراهم می‌کند و می‌تواند با تغییر خواسته‌ها و امیال نامطلوب به گونه‌ها و صورت‌های اخلاقی و مقبول جامعه موجب کمال انسان شود. از سیر در فراز و نشیب حوادث زندگی مجنون در می‌یابیم که او با جهت‌دهی غریزه جنسی خود به سمت معنویت و عشق کامل، قادر است به رضایت خاطر برسد و همچنین مورد پسند اجتماع و قبیله خود باشد. او به بهانه عشق لیلی، طبع و سرشت خویش را کنترل می‌کرد تا از این جهان، راهی به کمال یابد و از آن جهت به کامجویی نمی‌پرداخت تا در نهایت بر طبق قول «المجاز قنطرة الحقیقة» به عشق حقیقی دست یابد. همچنین با استمداد از نیروهای معنوی و اعتقاد به قدرتی فراتر از خودش توانست دید تازه‌تری نسبت به محیط، خواسته‌ها و آمال خود داشته باشد و توانایی دست به عمل زدن و گام گذاشتن در راههای جدید را به دست آورد.

پیشنهادها

از آنجایی که این تحقیقات، جزو مطالعات بینارشته‌ای ادبیات و روان‌شناسی است، بهتر است گروه‌هایی از دانشجویان هر دو رشته روی آثار ادبی مطالعه و پژوهش انجام دهند و از تخصص هر دو رشته استفاده شود که در این صورت، تحقیق‌ها از دقت و درجه علمی بالاتری بهره‌مند می‌شود.

منابع و مأخذ:

۱. اورنگای گاست، خوزه، درباره عشق، ترجمه سید مهدی ثریا، نشر جوانه رشد، تهران: ۱۳۸۰
۲. جانسون، رابرت، عشق رمانتیکش (درک روان‌شناسی عشق رمانتیک)، ترجمه بارانه عمادیان، چاپ دوم، فرهنگ نشر نو، تهران، ۱۳۹۸
۳. دارابی، جعفر، نظریه‌های روان‌شناسی شخصیت، آبیژ، تهران، ۱۳۸۸
۴. ستاری، جلال، عشق صوفیانه، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۴
۵. سلیگمن، مارتین، شادمانی درونی، ترجمه مصطفی تبریزی و همکاران، نشر دانژه، تهران، ۱۳۹۸
۶. سینگ، کالو، مفاهیم روانکاوی (تصعید)، ترجمه ناتاشا محرم‌زاده، نگاه، تهران، ۱۳۹۸
۷. سیاسی، علی اکبر، نظریه‌های شخصیت، نشر دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۹۹

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

۸. شولتز، دوان. پی و شولتز، سیدنی ال، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، ویرایش، تهران، ۱۳۹۲
۹. صبور، داریوش، عشق و عرفان و تجلی آن در شعر فارسی. نشر زوآر، تهران، ۱۳۴۹
۱۰. صفدری، زهره، تحلیل تصعید و تلطیف تمایلات روانی پنجگانه در غزلیات سعدی، پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، سال ۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹، صفحات ۲۳-۴۲
۱۱. کامپتون، ویلیام. سی و هافمن، ادوارد، روان‌شناسی مثبت (علم شادمانی و شکوفایی)، مترجمین: سهراب امیری و همکاران، جلد اول، نشر آوای نور، تهران، ۱۳۹۷
۱۲. فروید، زیگموند، پیدایش روانکاوی، ترجمه هاشم رضی، مؤسسه مطبوعاتی فراهانی، ۱۳۴۲
۱۳. -----، ناخوشایندهای فرهنگ (تمدن و ناخرسندهای آن)، ترجمه امید مهرگان، گام نو، تهران، ۱۳۸۳
۱۴. -----، تمدن و ملالت‌های آن، ترجمه محمد مبشری، ماهی، تهران، ۱۳۹۶
۱۵. فروید، زیگموند و لکان، مبانی روانکاوی، ترجمه کرامت موللی، نشر نی، تهران، ۱۴۰۰
۱۶. کریمی، یوسف، روان‌شناسی شخصیت، مؤسسه نشر ویرایش، تهران، ۱۳۸۰
۱۷. نظامی، لیلی و مجنون، تصحیح بهروز ثروتیان، توس، تهران، ۱۳۶۳
۱۸. وست، ویلیام، روان‌درمانی و معنویت، ترجمه شهریار شهیدی و علی شیرافکن، چاپ سوم، نشر رشد، تهران، ۱۳۸۸
۱۹. هدفیلد، ژ. آ.، روان‌شناسی و اخلاق، ترجمه علی پریور، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۲۵۳۶